

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضری بحث در مورد کلمات بزرگان اصول در مورد حجیت یا عدم حجیت قول لغوی بود و کلمات مرحوم آخوند، نائینی و عراقی را مطرح کردیم.

ما داشتیم کلمات محقق عراقی را نقل می کردیم و گفتیم که ایشان به قسمتی از کلام نائینی اشکال دارد؛ مرحوم نائینی می فرمود وقتی شما به پزشک مراجعه می کنید به روحانی مراجعه می کنید باید به اطمینان برسید تا به حرف آنها ترتیب اثر بدهید و معتقدیم تعدد و عدالت شرط نیست اما در فصل خصومات تعدد و عدالت لازم است.

مرحوم عراقی اشکال می گیرد و می فرماید: فرق گذاشتن محقق نائینی بین فصل خصومت و غیر خصومت بی معناست؛ آقای نائینی اگر شهادت عن حس است یا قریب به حس در این صورت شرایط شهادت نمی خواهد و اگر عن حدس باشد در این صورت شرایط شهادت لازم است.

استاد علیدوست: به نظر ما می رسد نه موافقت با فرمایش نائینی درست است و نه با مرحوم عراقی؛ اولاً: فرمایش محقق نائینی ابهام جدی دارد؛ ایشان می فرماید در قول ثقه باید وثوق حاصل شود اما در بحث شهادت، شرایط شهادت لازم است.

طبق کلام ایشان اگر پزشکی شارب الخمر باشد و ما از قول او به اطمینان برسیم کفایت می کند اما در دعاوی شرایط شهادت لازم است؛ آیا مرحوم نائینی می خواهد بگوید علاوه بر وثوق و اطمینان، شرایط شهادت در دعاوی و فصل خصومات لازم است؛ یا نه می فرماید در دعاوی فقط تعدد و عدالت لازم است و کاری به وثوق نداریم.

البته روایت انما یقضی بینکم بالایمان... حاکی از این است که اطمینان در قضاوت لازم نیست بلکه طبق همین شهود و بینة و... قضاوت می شود. این ابهامات کلام نائینی است که برای ما واضح نیست.

اشکال ما به محقق عراقی: آقای عراقی بدون اینکه شبیه کلام نائینی را حل کند به آقای نائینی اشکال می گیرد؛ بیان اشکال: آقای عراقی اگر نظر نائینی را ببینید ایشان می فرماید در حجیت قول لغوی اطمینان و شرایط شهادت می خواهد آیا شما بیش از این می خواهید؟! و اگر ایشان بگوید که فقط شرایط شهادت می خواهد نه اطمینان، در این صورت شما می توانید اشکال مبنایی خود را مطرح کنید که بین دعاوی و غیر دعاوی فرقی نیست و می دانیم که اشکال مبنوی مهم نیست.

سوال: آیا در روایت انما یقضی بینکم بالایمان... آیا مراد شهادت بینة عاقله است یا نه؟ آیا زمان رسول اکرم بینة به معنای بینة عاقله بوده است؟ معلوم نیست کلمه بینة در زمان نبی مکرم به معنای بینة عاقله باشد؛

ما با این حرف، در باب قضا هم، شهادت بینة عاقله را زیر سوال ببریم.

مرحوم آقای خویی: من چیز خاصی نسبت به کلام ایشان پیدا نکردم که معطل بشویم اما عرض کنم که ایشان موضع گیری محکمی در قبال این مساله ندارند و آنچه از کلام ایشان بر می آید این است که ایشان اخبار قول لغوی را مصداق شهادت می داند و لذا شرایط شهادت را هم لازم می داند؛ ایشان را می شود در زمره مخالفین حجیت قرار داد چرا که ایشان تعدد و عدالت را در پذیرش قول لغوی شرط می داند و آن چیزی را که ایشان می پذیرد، خارج از بحث حجت قول لغوی است بحث ما در جایی است که قول لغوی لو خلی و طبعه سنجیده شود نه با قید تعدد و عدالت و... .

مرحوم امام خمینی: در کتاب انوارالهدایه مطلبی را در مورد این بحث دارد؛ در کلام ایشان این نکته اضافی دیده می شود:

ایشان در جواب کسانی که می خواستند رجوع به قول لغوی را از باب مراجعه به کارشناس معتبر کنند می فرماید: ممکن است بگوییم لغوی کارشناس نیست (این مهم نیست چون مرحوم آخوند هم این اشکال را داشت) اگر لغوی کارشناس هم باشد چه

کسی گفته عقلا در همه فنون به کارشناس مراجعه می کنند؟ فرضاً عقلا هم بگویند از کجا معلوم شارع تایید کرده باشد؟ در زمان ائمه مردم به پزشک و... مراجعه می کردند و اهل بیت ردع نکرده اند اما از کجا معلوم رفتار اهل بیت نسبت به رجوع به قول لغوی هم اینگونه رفتار کرده باشد؟ کتب لغت برای قرن دوم و سوم است شما چطور این سیره را به زمان معصوم متصل می کنید؟

الحمد لله رب العالمین